

با ضمیمه روز کارگر

مخبر

ارگان مرکزی سازمان انقلابی

تک شماره ۱۰ ریال

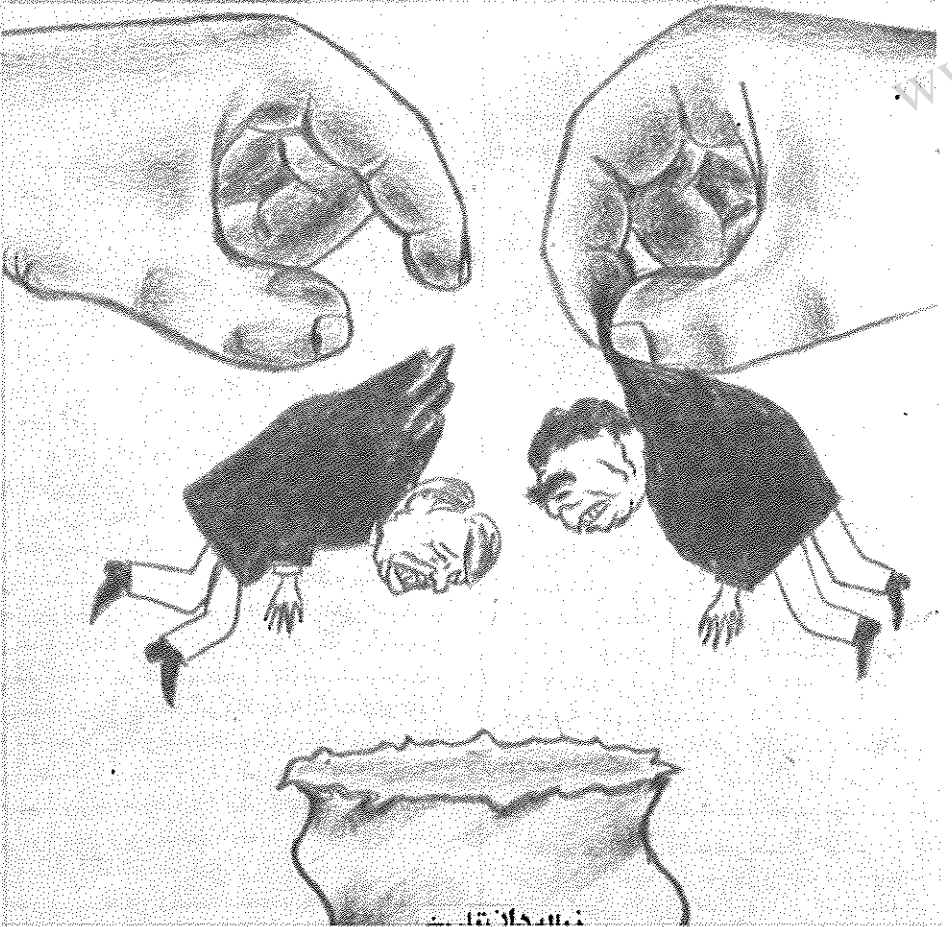
اردیبهشت ۱۳۵۸
هفته اول

امام خمینی:

”طرد عمال اجانب مسئله اصلی است“

برخی حملات داهیانه امام خمینی در این مورد چنین است: * شما قبل از مسائل اصولی به مسائل فرعی پرداخته‌اید تا مسائل اصولی حل نشود، مسائل فرعی حل نخواهد شد. * آن وقتی که ما اجانب و عمال آنان را عقب راندیم، خود، این مسائل را حل خواهیم کرد. طرح مسائل فرعی در موقع خود مفید، ولی الان مضراست. اگر بخوایم بین مشکلات را الان دنبال کنیم، سبب تفرقه خواهد شد. ما در وقت مناسب، با فرصت، تمام این مسائل را حل می‌کنیم، اما اکنون طرد عمال اجانب مسئله اصلی است و باید درباره آن فکر شود. بقیه در صفحه چهارم

امام خمینی، در دیدار با نمایندگان فرهنگیان کرمانشاه ضمن بیانات خود، روی چند موضوع حیاتی انقلاب دست گذاشتند. اول - طرد عمال اجانب بعنوان مسأله اصلی انقلاب، و دعوت ملت برای بدست گرفتن سرنوشت خویش، و قطع دست آمریکا، شوروی، انگلیس، و دیگر بیگانگان. دوم - افشای خرابکاریهای خائنین و عمال دشمنان، و کسانیکه از خارج الهام میگیرند. سوم - لزوم برقراری آرامش و نظم انقلابی، و مهلت دادن برای رفع خرابیها. چهارم - نپرداختن به مسائل فرعی و جلوگیری از تفرقه.



برای تحکیم وحدت ملی انحرافات چپ و راست را طرد کنیم!

۱- انحراف "انقلابی‌گری" کاذب، انحرافی که زیرا این پرچم انقلابی به تضادهای درون خلقی، میان کارگرو سرما به دار ملی، میان ملیت تحت ستم و دولت مرکزی، میان مسلک‌های گوناگون دامن میزند، از حرکت اصل اعتراضی مردم برای کسب حقوق خودسوء استفاده میکند. و آنرا بسوی تضعیف دولت، ضربه زدن، بسوء انقلاب، ایجاد تفرقه و خصومت بسوء حکومت جدید می‌کشد. خود را انقلابی می‌پندارد، اما در عمل زمینه برای ضدانقلاب امپریالیستی آماده می‌کند. خود را طرفدار رزحمتکشان و ملیتهای تحت ستم می‌انگارند، اما منافع عالی آنان را که مبارزه علیه امپریالیسم و کسب استقلال کامل کشور است را، نادیده میگیرد، و حتی با وجودی که سنگ کارگر خواهی و "ملیت خواهی" به سینه می‌زند به خواسته‌های فوری آنها

ارشیه سلطه‌ی شوم رژیم سابق و غارت و ستم امپریالیستی اند. بعلاوه، بعلل تاریخی گوناگون، تضادهای فراوان و گوناگونی در درون جبهه‌ی خلق موجودند. تضادهای مسلکی و عقیدتی، تضادهای طبقاتی، تضاد میان ملیت‌ها و غیبه‌ها، که در این بهار پس از انقلاب، جانب‌ستمدیده این تضادهای (کارگران و دهقانان استثمار و غارت شده، ملیت‌های تحت ستم، عقاید سرکوب شده...) بحقوق سربرافراشته و خواستار حقوق خود و شکوفائی اند. در چنین اوضاعی است که دو ابرقدرت امپریالیستی شب و روز، در حال توطئه و بهره برداری از این تضادها و مشکلات برای ایجاد اغتشاش، ضربه زدن به انقلاب و سرنگونی دولت ملی و ایجاد یک رژیم فاشیستی وابسته به آمریکا یا روسیه اند.

مدتی است که عده‌ای زیر پرچم با اصطلاح "دفاع از اسلام" به جلسات، میتینگ‌ها، اجتماعات و تحصن نیروهای سیاسی غیراسلامی حمله کرده و در پی آنند، که نگذارند هیچگونه فعالیت سیاسی غیراسلامی صورت گیرد. آنها برای معلمین تضييقات بوجود می‌آورند، به کارگران حمله میکنند، ملیت‌های در اقلیت را مورد ستم قرار میدهند، به سرکوب خشونت بار اعتراضات توده‌ها، تاشی کسه ناآگاهانه مبارزاتشان مورد سوء استفاده عنا صرفرت طلب قرار گرفته است می پردازند. آنها این کارها را تحت لوای، "دفاع از اسلام"، انجام میدهند، که دریائی با اسلام مبارز فاصله دارد، و بنظر ما تنها آب ریختن به آسیاب دشمنان مردم، تهیه مقدمات برای سوء استفاده ساواکی‌ها و فراهم کردن زمینه

مردم، تهیه مقدمات برای سوء استفاده ساواکی ها و فراهم کردن زمینه مناسب برای توطئه های ابر قدرت های آمریکا و روسیه، شکست انقلاب اسلامی و سرنگونی دولت ملی است. عده دیگری نیز زیر پرچم، "انقلابی گری"، کاذب از هر حرکت اصیل اعتراضی خلق نه برای تقویت انقلاب و حمله مشکلات مردم، بلکه برای سمت دادن و تاراندن آن، جهت تضعیف انقلاب و ضربه زدن به دولت ملی، سوء استفاده میکنند، بنظر ما هر دوی این مشی ها انحرافی بوده و زمینه را برای نفوذ عناصر بیگانه و خرابکاری آنان آماده میکند.

این هر دو رشته فعالیت های انحرافی و تفرقه افکنانه در شرایطی انجام میگیرند، که انقلاب پیروزمند ما از چند طرف مورد حمله دشمنان خود، بویژه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه است.

انقلاب پیروزمند ایران به دست آوردهای مهمی نائل گشته اما، با مشکلات فراوانی نیز روبروست. مشکلاتی که عمدتاً

رژیم فاشیستی وابسته به آمریکا یاروسیه اند.

سیاست اساسی و ابزار عمده دوا بر قدرت برای رسیدن به این هدف ضد ملی خود، بهره برداری و سوء استفاده از مشکلات کشور و تضادهای درون خلق، تجزیه وحدت بزرگ خلق، چند پارچه کردن جنبش و ایجاد زمینه برای کودتا یا جنگ داخلی و سرادر کشی میان خلق است.

اگر آنان در انجام چنین کاری موفق شوند، اگر تضادهای درون خلق را تشدید کرده و بیه جنگ داخلی کشانند تنها دوا بر قدرت اندک از این وضع سود خواهند برد و تنها خلق و انقلاب و میهن است که متضرر خواهد شد.

این مسئله با پدید برای کلیه نیروهای ملی و انقلابی اعمال: اسلامی، مارکسیست و دمکرات کاملاً روشن باشد.

در چنین اوضاع سیاسی حساسی است که در میان صفوف خلق دوا انحراف بزرگ سیاسی بچشم میخورد.

خواهی و امنیت خواهی، به سینه میزند به خواسته های فوری آنها بقیه در صفحه دوم

نورالدین کیانوری (دبیر اول حزب توده) اخیراً در یکی مما حبه مطبوعاتی شرکت کرد. او از این فرصت استفاده کرد تا شاید بتواند کارنامه سیاه بیش از ۲۰ سال خیانت کمیته مرکزی حزب توده به طبقه کارگر و انقلاب توده های خلق ما را با تحریفات گوناگون بشوید. ما در اینجا فرصت برخورداریم که همه جا نینه به این با بقیه سیاه دارودسته کیانوری را نشان بدهیم، سازمان ما در توده شماره ۲۱ (ارگان ثنوریکی سیاسی خود) از گذشته این حزب تحلیل نموده است. در این جا میخواهیم ببینیم ایشان وهمقطار را نشان در کمیته مرکزی در واقع دارند به چه چیزی افتخار میکنند؟

حزب توده بعزت خصلت طبقا تی و فرصت طلبانه خود هرگز

کارنامه سیاه دارودسته کیانوری

پرچم روشن مارکسیستی-لنینیستی نداشتند و مبارزه عناصر کمونیست بر سر مواضع روشن طبقاتی در این حزب همیشه مورد سرکوبی رهبرانی چون کیانوری قرار گرفتند. کیانوری ها سرسختانه نگذاشتند حزب با شستشوی ایدئولوژیک خود از ایدئولوژی خرده بورژوازی پاک گردد.

حزب توده مبارزه سرسختانه ای را علیه سیاست ملی مصدق که خواهان موازنه منفی بود به پیش برد. و از سیاست موازنه مثبت دفاع کرد. احسان طبری در نشریه مردم شماره ۱۲ آبسان ۱۳۲۳ مینویسد "ما بهمان ترتیب که برای انگلستان در ایران منافع قائلیم و بر علیه آن سخن نموی- گوئیم باید معترف باشیم که شوروی در ایران منافع جدی دارد

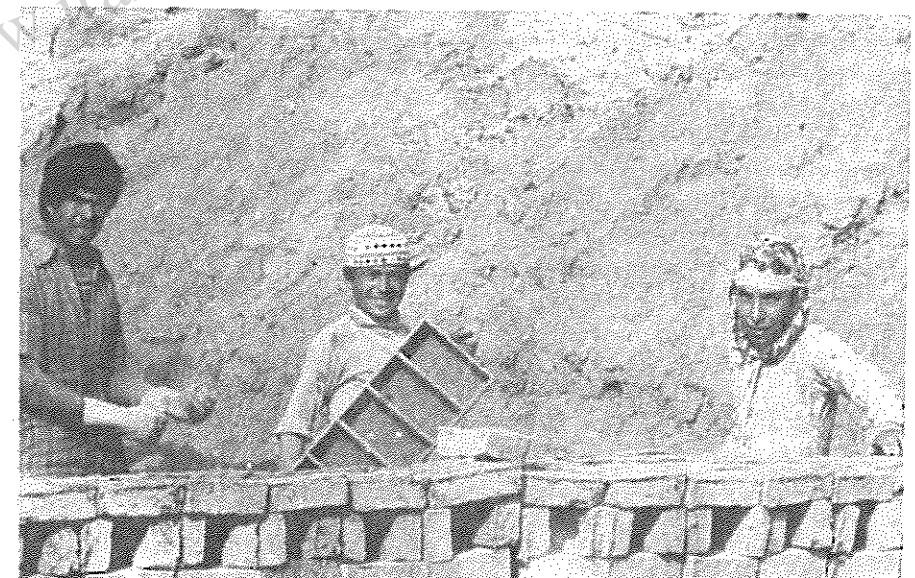
باید به این حقیقت پی برد که مناطق شمال ایران در حکم حریم امنیت شوروی است و عقیده دسته ای که من در آن میباشم اینست که دولت بفوریت برای دادن امتیاز نفت شمال به روسها و نفت جنوب به کمپانیهای انگلیسی و آمریکا-ئی وارد مذاکره شود.

خیانت به جنبش های کردستان و آذربایجان

سالهای ۱۳۲۴-۱۳۲۵ شاهد اوج گیری جنبش انقلابی بود. جنبشهای عظیم مسلحانه و توده ای در آذربایجان و کردستان، قیام افسران خراسان، مسلح شدن کارگران در مناطق شمال ایران تظاهرات و اعتصابات پر شور کارگران نفت در جنوب ارتجاع را سخت هراسان ساخته بود.

بقیه در صفحه پنجم

★ دریای صحبت کارگران کوره پزخانه ها ★



در چهل کیلومتری شرق تهران، وارد جاده خاوران که میشوید و در گذش های سربلک کشیده ی کوره پزخانه، توی چشمتان میزند. اگر بخواید هیئت نزدیکتر بروید، مجبورید از جاده ی خاکی و پیرا زیستی ویلندی که از جاده اصلی منشعب میشود بگذرید. در نزدیکی هر دو گذش بلند گروهی مردوزن و بیچه را میبینید که همه با هم مشغول کارند. صورت همه شان از دود سیاه یا آغشته به گل ولای است. زن همراه شوهرش مشغول آماده کردن گلوله و قالب زدن خشتها است و دختر بزرگ خانواده، هم از بیچه های کوچک نگهداری میکنند و هم بهمراه بیچه های دیگر، بروماد در را باری میدهد. در طرف دیگر، دو جوان با سرعت مشغول خشت زدن هستند. اولی قالب هشت خانه ای را که بعداً زیر شدن، در حدود شانزده کیلو وزن دارد به سرعت مملو از گل نموده و با تکمه چوبی روی آن را صاف میکنند و دومی

با همان سرعت آنرا کناره بردی سف خشتهای خیس دیگر روی زمین خالی کرده و بعد به خاک خشک می آید تا گل به ته قالب نجسید، و دوباره کار از نو آغاز میشود. این کارها در بقیه در صفحه دوم

گوشه ای از جنایات اربابان شمال کردستان

"در ده ما خانوار زندگی میکنند که ارباب، ۴ خانوار را بیرون کرده. بیست و پنج روزه عیدمانده، او مرا صدا کرد و با کمر بند سربازی بست. حدود پنجاه هزار تومان پول داشتم، از جیبم در آورد. حاجی بمن گفت که باید دو بیست فشنگ بخرم. برای فشنگها، چهار هزار تومان پول دادم. بعد گفت با یستی تفنگ بخری، و تفنگی را که خودش خریده بود به ۱۵ هزار تومان بمن فروخت. بعد از فروش اسلحه، آنرا از من گرفت و پرسید که تا بحال چقدر از تو پول گرفت؟ گفتم بیست و چهار هزار تومان. گفت کم است. بخانه ام فرستاد و حدود ۲۲ هزار تومان ای که داشتم برایش آوردم. گفت حالا چقدر شده؟ گفتم در حدود ۴۶ هزار تومان.

بقیه در صفحه دوم

قریب به دو ماه پیش اربابان فتودال شمال کردستان، بیورش بزرگی را علیه دهقانان، زحمتکش بیش از ۱۰۰ ده آغاز کردند. آنها با اخاذی، کشتار، شکنجه و تاج و زبانه موس دهقانان، آنان را ازدهات رانندند. نوشته زیر، که بر اساس مصاحبه با چند تن از این دهقانان ستم دیده تهیه شده، گوشه ای از جنایات این فتودالها را نشان میدهد.

* یکی از جنایتکارترین خانه در منطقه "برادوست" حاجی سامی است. ما، در گزارشی از وضع دهقانان غارت ورانده شده در غرب ارومیه ("رنجبر" - ۵)، به چند جنایت او اشاره کردیم. در زیر گفته های آقای نبی، یکی از دهقانان ده خوشولو، که پنجاه سال دارد، را نقل میکنیم:

★ دنباله: برای تحکیم ...

نیز خیانت میکند، چه، بخشی از خلق را علیه بخش دیگر، فارسی را علیه کرد و ترکمن، توده مردم را علیه کارگر بیکسار می شوراند، و بدست آوردن حقوق آنان را به خطر می اندازد. و نه تنها "پیشرو" خلق نیست، بلکه دنباله روی عناصرت عقب مانده ی طبقات و اقشاری از خلق است، که منافع عالی ملی را نمی بینند. چنین سیاستی انحرافی، یعنی دامن زدن به تضادهای درون خلق در جهت تضعیف دولت، زمینه را برای عملکرد، توطئه های دوا بر قدرت آماده می کند. می بینیم که، در جایی با فتوایها و عوامل امپریالیسم هم سنگر میشود، جایی با مزدوران روسیه در یک طرف قرار می گیرد. این مشی، انقلابی و خواهان د مکرسی نیست با وجود شرکت جوانان انقلابی در صفوف آن، با پیدوسیعا افشاء و طردشود و حساب خواست و اصلت ملی و انقلابی توده های مردم تحت تاثیر این مشی از ماهیت سیاسی منحرف آن جدا گردد.

انحراف دوم، "اسلام نمائی" است. کسانیکه تحت عنوان "دفاع از انقلاب اسلامی" مبارزه بحق معیشتی کارگران بیکار و گرسنه مخالفت می کنند، بر علیه خواست بحق ملیت های تحت ستم موضع میگیرند، و به آن برجیب "تجزیه طلبی" می - زنند، به گروه های ملی مبارز سیاسی دارای نظرات غیر اسلامی حمله میکنند، و آزادبهای خلق را زیر پا می گذارند، این انحراف فرسنگ ها با اسلام مبارز ضد امپریالیست و ضد استبداد فاصله دارد. ملیت تحت ستم زیر ستم نمی رود و نخواهد رفت و لذا مقاومت می کند، کارگر گرسنه مرعوب نخواهد شد و مسلک های دیگر که صدها سال وجود داشته و در شدیدترین شرایط اختناق مبارزه کرده اند، به مبارزه خود ادامه خواهند داد. از این رو تنها "فایده" این انحراف، دامن زدن به تضادهای درون خلق و تشدید مقاومت و

★ دنباله: در پای صحبت ...

کنتراتی هستند و هر چه بیشتر کار کننده مزدشان بیشتر میشود، در هر میدان ۴ یا ۵ نفر با هم کار میکنند و کارتهیه گل و قالب ریزی را انجام میدهند. دستمزد آنها از ابتدا معلوم نیست و بعد از چند ماه و بعضی اوقات بعد از تمام کار و توسط کارفرما و بر حسب نرخ فروش آجر در بازار، تعیین میشود. سال گذشته، در آذرماه هر ۱۰۰۰ آجر ۵۰ تومان دریافت کرده اند که بین افراد هر گروه سرشکن شده است. نحوه نگهداری حساب کارکرد و تعداد آجرها هم بعهده ی خود کارفرمایا میا شراست و چون اغلب کارگران سواد ندارند، همیشه حساب ها بِنفع کارفرما "اشتباه" میشود. این کارگران بخوبی میدانند اما از ترس اخراج شدن جرأت اعتراض ندارند. حرف اعتصاب را هم که تا این اواخر نمیشد زیرا هزاران کارگر افغانی حاضر بودند حتی با حقوقی نصف آنها کارکنند. تازه کارگروه پزخانه هشت ماه در سال بیشتر نیست و ماه دیگر بعلت بارندگی کار تعطیل میشود و آنها با پدیده های خود بر گردند و چون در آنجا هم کاری نیست از جیب بخورند.

وضع مسکن کارگران کوره پزخانه، بسیار رقت آور است. کارفرما به هر ۷ یا ۸ کارگر، طاقی که بی شایهت بسوزاند خردیوار نیست داده است و در بسیاری مواقع، زن و شوهری مجبورند با چند نفر دیگر در یک طاق زندگی کنند. کارگران آتشخانه وضعی سخت تر و توان فرساتر از دیگران دارند. در گرمای غیر قابل تحمل جهنم کوره، از صبح تا شب باید کار کنند تا ۳ نفر داخل کوره، آجرهای پخته را با دستکشهای لاستیکی از کوره بیرون می آورند، ۲ نفر هم مسئول روشن نگهداشتن دائم کوره هستند که یکی از ظهر تا ۱۲ شب و دیگری از ۱۲ شب تا ظهر روز بعد کار میکنند. مزد آنها بر حسب وزن آجرهای پخته شده تعیین میشود و البته بر حسب نرخ آجر در بازار. سال گذشته که نرخ فروش آجر با لای بود کارفرما تا هزاری ۷۰۰ تومان، آنها را میفروخت ب... مسئولین کوره حدود تنی ۴ تومان

آب شده و حالا بعد از ۳ سال اگر بگه چرا اینطور، کارفرما گوش رومی گیره میگه بیابرو بیرون. نباید اینطور باشه این کارفرما که یک دفعه سرمایه گذاری کرده و این کوره رو ساختم، سودش را برده، نباید اینطور باشه!

با پیدا ز طرف دولت بیان اینجا، کارگران نماینده انتخاب کنن. اون، کارگزار خونه را بعهده بگیره و هزاری ۲۰ تومان کارفرما سودبیره و حق نداره بیشتر از این ببره. بعدا اضافه میکنند: "خواست ماها اینه: اول از این از طرف دولت، از طرف اداره کار کارشناس بیاد اینجا برای هر کارگر چه مرد چه زن به کارشون نیگا کنه و حقوق تعیین کنه. دوم ازین، کارفرما نباید اینطور باشه. یعنی اونا الان سرمایه گذار ریشخون رو کرده اند و برده اند. الان تنی ۱۵۰ تومان آجر میفروشه. ماسه نفر کارگرتنی ۴ تومان آجر بار میکنیم، حساب کن ببین چقدر می افته: نفری ۱۲ ریال تنی آجر می افته، روزی ۸۰ تومان برای سه نفر و بیست و چهار ساعت هم داریم چون میکنیم فقط از دولت، از قانون میخواهیم که به این کار رسیدگی بشه و وضع کوره پزخانه درست باشه. کارگر دیگری دنباله حرف او را میگیرد: "یعنی، مثل رژیم سابق نباشه چون رژیم سابق رژیم بود که مثلاً یک سندیکا می درست کرده بودن برای خودشون، رئیس سندیکا یک نفر بود اسمش احد شافری بود. تمام این کارگرا که اینجا چون می کنند بگه میخواست همه اش را توی جیب او بریزن. اینجوری بود. منتها ما پنده ها ش نمیگذاشتند. اگر میگذاشتن ما پنده ها کارهای زپیش بمرن خوب بود، اما نمیگذاشت. یعنی یک نفر را بیست هزار تومان سی هزار تومان میداد و بقیه همه اش سرکوب بود. من خودم ۵ سال تو این کوره کار کرده بودم، بعد از ۵ سال من یک اعتراض به ارباب کردم ما را بردند پاشگاه با قرآباد. رئیس پاشگاه با او دوست بود دیگر، بعد دیدم ساعت دوازده شب او آمدن، که خشت تحویل بده برو بیرون. ساعت ۱۲ شب"

★ دنباله: گوشه ای از جنایات

گفت هنوز کم است، یا با زهم پول بده و یا خانوادها ت را بیرون می - کنم و ترا هم تکه تکه میکنم. دیگر پولی نداشتم که به ارباب بدهم. او خانوادها م را بیرون آورد و با ترا کتور خانها م را خراب کرد. تمام مرغ و خروس و بوقلمونها زیر آوارمان نندند. مراهم که با کمربند بسته بودیه زندان انفرادی انداخت. در حدود ۱۶۰۰ اس گوسفند ۴۰ گونی جو و ۱۲ گونی نخود داشتم. صدتا از حیواناتم را به میدان کشید و برای خودش فروخت و بقیه هم از سر ما مردند، جو و نخود را هم برد. حدود ۲ هکتار بر... سیب داشتم، آنها را از ریشه در آورد و برد ۷۰۰۰ قلمه را هم برید و برد. همینطور ۱۰۰ عدد درخت بیدم را در حدود هفت گونی گندم کاشته بودم و ۸ گونی شخم کرده بودم و هکتاری صد تومان کرایه داده بودم که بی صاحب مانده. همینطور ۸ گونی بیونجه آبی داشتم که برای ارباب ماند. خلاصه، حدود ۳۰۰ گونی زمین داشتم که همه اش بدست ارباب افتاد. همینطور کوده های شیمیائی ام را ارباب برد.

یک روز، ارباب کسی را برای احضار من به زندان فرستاد. گفته بود هوا سرد است و بیا خودت را گرم کن. نگو که ارباب تمام درختها را بریده و با چوبش بخاری را گرم کرده و برای همین مرا خواسته. شب عید، ارباب پسرش علاءالدین را به زندان فرستاد تا بگوید که ما میخواهیم ترا با ما شین موقوفه انسل کنیم. مرا بردند و این بلارا بسم آوردند. از درد بیهوش شدم. در حدود شش هفت ساعت حال خودم را نفهمیدم. بعد از اینکه بیهوش آمدم، از زانو تا سینه ام با دکرده بود و قطره قطره خون بیرون میزد. آقای حامد گریه کنان به ارباب التماس می کرد که این پیرمرد را آزاد کن. ارباب گفت: تا به قرآن قسم نخورد که شکایت نمیکند و را آزاد نخواهم کرد. منم گفتم دارم میمیرم قسم نخواهم خورد. بعد از چند روز، با میانجیگری حامد، مجبور شدم قسم بخورم. بعد از قسم خوردن، ارباب شوهرش، فاضل را صدا کرد

ترور قره نی

ترور سر لشکر قره نی قدامی در خدمت بهم زدن نظم انقلابی، ایجاد هرج و مرج و تضعیف دولت مرکزی است. سازمان انقلابی چه قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و چه در زمان کنونی مخالف ترور فردی بوده و میباشد. ما ترور فردی را عملی جدا از حرکت انقلابی توده های مردم میدانیم، عملی که بطور عینی در اوضاع کنونی کشور زمینه را برای سوء استفاده ای بر قدرت های آمریکا و روس مساعد میسازد. ابر قدرت ها تلاش می - کنند با ایجاد هرج و مرج در ایران، دولت موقت را تحت فشار قرار داده و امتیاز بدست آورند.

برای انجام هر عملی باید افکار عمومی را قبلاً آماده کرد، برای ترور قره نی هم دستگاه های تبلیغاتی مختلف بویژه دستگاه قدرت روسیه، بسهم خود آمدگی بوجود آوردند.

ما از تمام نیروهای انقلابی و مسئول جامعه میخواهیم که ترور قره نی و هر عمل تروریستی دیگر را محکوم نمایند، ما از دولت موقت جدا خواستاریم در اسرع وقت عاملین این حادثه را شناسائی کرده و به مجازات برسانند. ضروریست مسببین این حادثه به تمام مردم ایران و جهان معرفی شوند، نظم خلقهای قهرمان ما همچنانکه در جریان جنبش عظیم ضد امپریالیستی و ضد استبدادی متانت انقلابی خود را نشان دادند، در اوضاع کنونی هم قاطعانه و آگاهانه علیه هرگونه هرج و مرج طلبی افراطی راست و "چپ" افراد غیر مسئول قیام خواهند کرد و با حرکت توده ای و انقلابی خود راه رشد تروریسم را سد خواهند نمود. سازمان انقلابی ترور سر لشکر قره نی را شدیداً محکوم مینماید.

☆ دنباله: حزب توده

غیرقانونی نمی باشد. و اما ما معتقدیم که حزب توده، حزب

درون خلق و تشدید مفاومت خلق و بدتر از آن رشد افکار منقبت نسبت به انقلاب اسلامی و دولت است، چیزهایی که درست زمینه را برای توطئه گری های امپریالیستها بویژه دوا بر قدرت آمریکا و روس آماده می کند، و می بینیم و دیده ایم که عوامل ساواک و حزب توده خود را در میان صفوف این عده جا زده، و همراه با آنان به اجتماعات نیروهای ملی و انقلابی حمله کرده اند. آیا این خود بهترین هشدار برای این گونه افراد نیست؟

نکته مشترک ایندو انحراف آنستکه هر دو در واقع آنچه خود را می نامند نیستند، نه اولی مارکسیسم انقلابی است، نه دومی اسلام مبارز. هر دو خط مشی های انحرافی هستند، که تضادهای درون خلقی را تشدید کرده، و با ضربه زدن به نیروهای خلقی (در یک مورد دولت ملی، در مورد دیگر نیروهای انقلابی)، موجب تضعیف نیروی خلق و ایجاد زمینه فعالیت برای امپریالیستها میگرددند.

تقویت وادامه انقلاب تنها با افشاء و طرد ایندو خط مشی انحرافی در درون خلق امکان پذیر است، زیرا با افشاء ایندو مشی انحرافی است، که میتوان خلق را علیه دوا بر قدرت متحد کرد و از فتنه گری آنها در مبارزه متحد

ضدا امپریالیستی خلق جلوگیری نمود. ما عمیقاً معتقدیم که ایندو خط مشی انحرافی با تمام ظواهر انقلابی خویش پایشان در مبارزه ضدا امپریالیستی می لنگد، و در برابر این یا آن ابرقصدت امپریالیستی تزلزل دارند. ما عمیقاً معتقدیم که اوضاع برای رشد نیروهای خلقی و تحکیم و ادامه انقلاب خوبست. مخالفان رزبایی های نامیدانه از اوضاع که ناشی از تاثیرات ایندو مشی انحرافی است، هستیم، مارکسیست نماها مردم را از خطر راست می ترسانند و هوشیاری بحق خلق را تبدیل به وحشت زدگی میکنند، چون به توده های وسیع آزادیخواه خلق اعتماد ندارند. اسلام نماها

تومان، آنها را می فروخت و مسئولین کوره حدود ۴۰ تومان تعلق گرفت که میشود حدود ۶۰۰ تومان.

زنها وضعی بمراتب رنج آورتر دارند، چرا که علاوه بر کار در میدا نهی خشت زنی باید به کار بچه داری و بیختن نان و تهیه غذا و کارهای دیگر هم بپردازند. آنها بدون استخنا کودکی به بغل و چند بچه قدونیم قد بدنیال دارند که تمام مدت دور و بر آنها می پلکند. تما ما بیسوادند و از هر ده خانواده تنها یک کودک به مدرسه رفتن جزو تجملات محسوب میشود. چه، علاوه بر اینکه تنها مدرسه ابتدائی ده گنجایش زیادی ندارد، صلاقت درت مالی خانواده ها اجازه چنین ولخرجی را نمیدهند، زیرا یک بچه هفت یا ۸ ساله، چه دختر و چه پسر، کمک خرج خانواده است و رفتن او به مدرسه ضرر دوگانه ای برای خانواده به همراه دارد. مردان هم مانند زنان بیسوادند و گاه در میان آنها یکی دو نفر کوره سواد دی دارند. اما همه آنها، چه مرد و چه زن، خواستهای و آرزوهای مشابه و مشترکی دارند. از یکی از آنان که ظاهراً آگاهی طبقاتی بیشتری دارد، ارجح بر خواستهای شان سؤال میکنیم. بالهجه شیرین آذربایجانی به تفصیل توضیح میدهد: "آقا، ما ماهه داریم میکوبیم به این رژیم، الحمدالله پیروز هم شدیم. الان کسانی توی این کوره پزخانه هستن که ۳۰ ساله دارن جون میکنند، اونوقت کارفرما ۳۰۰ هزار تومان یا ۴۰۰ هزار تومان، یک مرتبه، سرما به گذاری کرده و این کوره را ساخته، ده بارش سودش رو برده، ولی این بابا اینجا در عرض ۳۰ سال استخوانش

هم مردم را از خطر کمونیزم می ترسانند، چون آنها نیستند از شکوفائی خلق و مکاتب گوناگون هراسانند. ما عمیقاً به دانش و کار دانی، به نیروی لایزال انقلابی خلق و به سمت گیری راستین او اعتماد داریم و مطمئنیم که با افشاء و طرد هر دو این مشی های انحرافی مبارزه متحد ضدا امپریالیستی خود را پیروز مندانه به پیش خواهد برد.

ساعت ۱۲ شب "سخت تحویل بده برو بیرون" کا رگر دیگری میگوید: "از کارگر پول بیمه کم میکردن اما لیست اونو میدزدیدن، الان هر کدوم از بیمه های اجتماعی که بری، کارگر هست که ده سال اینجا کار میکنه، بروا داده بیمه بگوشه لیست فلان کارگر را بده اگر پیدا کردن؟ برای اینکه کارفرما پول بیمه را کم کرده اما لیست اونو نفرستاده. یعنی هر کدوم از این کارگر که نیگا کنی همه دفترچه سندیکا دارند. اما هیچ رسیدگی به کارما نکردن، اینجوریه، حق مردم را حائزینکه پا مال کردن، چیز دیگری نبوده."

کارگر اولی دوباره شروع میکند: "اول از این، الان این کارگر ۸ ماه اینجا کار میکنن بعد آنها را پول میکنند و سرگردان می مرن. باید اون چهار ماه که تعطیله و کارفرما کارنداره، حقوق اینا رو بدن یا کار بدن که کارکنن. دوم از این، از طرف بیمه، هر وقت با زرس می او مدد رژیم سابق توی کوره پزخونه، این کارفرما ها این کارگر رو قایل میکنند. میگفتن: برو اینجا قایل شو! اونجا قایل شو! اینجوری بود. تا پول بیمه رو خودشون بخورن. حالا دیگر نیاید اینجوری باشه."

یکی دیگر از کارگران تعریف میکند که پسر عمویش آجرو روی دستش افتاده و شکسته و الان دو هفته است که توی خانه خوابیده و هیچ کس حتی یک قران با و نمیده، ولی اگر بیمه باشد و قانون داشته باشند از بیمه استفاده میکنند.

یکی دیگر میگوید: "خودتان می بینید اینجا همه چیز از دود سیاه است، ولی ما حمام هم نداریم. تنها حمام ده محمود آباد که خیلی هم کوچک است، گنجایش این همه آدم را ندارد و روز پنجشنبه که تنها روز بیکاری ما است بر اثر هجوم کارگران، نوبت به آدم نمیرسد." دیگری میگوید: "دولت باید کاری کند که این کوره ها گازی شود تا از سرد و راحت شویم."

رو به هم رفته، اساسی ترین خواستهای کارگران در درجه اول رسیدگی فوری و مستقیم وزارت کار به وضع کوره ها و دستمزدها و بیمه

قسم بخورم، بعد از قسم خوردن، ارباب شوفرش، فاضل را صدا کرد و با او گفت با حامد، این پیرمرد را کنار جاده بینداز. بعد، آمدم دیدم که بچه ها بمراد میگردان حیوانات را رومبها کرده، حالام که مدتیست مرا به بیمه رستان برای مداوا آورده اند.

چند نفر از دهقانان دهها شم آباد، در منطقه مرگور، تعریف میکردند: "در این ده، اصلاحات ارضی شده و به اقساط ۱۲ گانه بفروش رفته بود. تمام اقساط را پرداخته ایم و قبوض آن در دستمان است، سند مالکیت هم داریم. بعد از انقلاب و افتادن رژیم شاه، اربابها به منطقه ریختند و ادا کردند که رژیم سابق بزور زمینهای ما را بشما فروخته است، و حالامی - خواهیم زمینهای ما را بگیریم."

آنهاست. خواستهای آنها، همراه با آگاهی طبقاتیشان، بعد از انقلاب بطور مشخص و آشکاری بالاتر رفته است. بطوریکه بسیاری از آنها قبل از آب آشامیدنی و حمام و دکتر و دارو مدرسه، میخواهند وضع خود را با کارفرما روشن کنند، نماینده واقعی را خودشان انتخاب کنند و غیره. ویساد گرفته اند که زیر بار زور نروند. از زبان یکی دیگر از آنها بشنویم: "تا دیروز حق ما را می خوردن و هیچ دستگاہی از حقوق ما دفاع نکرد. ما را خفه کرده بودن، اما امروز راحت تریم، حرفها مون رومیزنیم و آگه کارفرما بخواد زور بگه، گردنشو با بیل میزنیم."

کارگران کوره پزخانه از زن و مرد و کودک در اغلب تظا هرات دوش بدوش سایر زحمتکشان شرکت کرده اند و بوقول یکی از زنها پای پیاده تا میدان آزادی رفته اند. آنها معتقدند که همه بدبختیشان نتیجه ی فارت و چپاول دولت سابق بوده، با خوشحالی از سرنگونی شاه سخن میگویند و امید زیادی به رژیم فعلی بسته اند. با زهم از زبان یکی از آنها میشنویم: "الحمدالله، ما از این رژیم خیلی سربلند هستیم. نمیگوشیم دلخور هستیم. امسال خیلی آزاد تر از یار سال هستیم - خدا میدونه خیلی بهتره."

غیرقانونی نمی باشد. و اما ما معتقدیم که حزب توده، حزبی است وابسته به امپریالیسم شوروی و کارگزار منافع این امپریالیسم در ایران و این مرادامه مسئله ای قانونی و حقوقی نیست، وادامه موجودیت سیاسی حزب توده سئوالی است که خلقهای شیمن مادر مبارزه ملی و طبقاتی خود به آن پاسخ خواهند گفت.

زمینها آباد شده، ساختمان بنا شده و درخت کاشته ایم. با همه اینها، اربابها تهدید کردند که یا همه را میکشیم و یا باید از زمینها خارج شوید. از ۷۰ خانوار، ۳۶ خانوار را بیرون کردند. ۱۰ دستگاه تراکتور داشتیم که حالا همه شان خوابیده، اقساط تراکتورها هم سر رسیده و ما نه میتوانیم آنها را بفروشیم و نه قادریم اقساط را بپردازیم. هر کدام از خانوارها ۲۰۰ تا ۳۰۰ اساحشام داشتیم که به قیمت خیلی نازل حتی تا قیمت فروختیم. حتی یکی از ماها گاو ده هزار تومنیش را فقط ۵۰۰ تومان فروخت. یکی از اربابها، روز قبل از غارت و بیرون کردنمان، با تهدید ما را واداشت که بیست هزار تومان جمع کنیم، و با این پول یک جیب برای خودش خرید.

یک نفر از دهقانان تعریف کرد: "رفتم ده سراغ فامیلم، دیدم شلوغ است پرسیدم چه شده گفتند که ارباب آمده و دختر یکی از دهقانان را برده. پدر دختر اعتراض میکرد. ارباب گفته بود که شش هزار تومان برای دختر میدهم. توی پانزده سال در این زمین بوده ای که میشود بیعبارت ۶۰۰ تومان. شش هزار تومان را برای دختر بردار و ۵۰۰ تومان دیگر بده. پدر دختر بما گفت:

"ما که این طور هستیم چطور میتونیم با اونها زندگی کنیم. میان ناموسمون رو از ما میگیرند و تازه بدکار هم میشویم. ما نمیتونیم با اونها زندگی کنیم. باید اونها رو بیرون کنیم و خودمون جایمان برویم."

بقیه در صفحه پنجم

در زمینه ایدئولوژیک، علاوه بر حملات خصمانه خود به استالین، که کلیه مبارزات طبقه کارگر شوروی در دوره رهبری استالین یعنی در مدت سی سال حکومت کارگری را مورد سؤال قرار میداد، خروشچف چندتذمبات رکیستی را نیز بر حزب کمونیست شوروی تحمیل نمود. این تذمبات عبارت بودند از سه "تذمبات همزیستی مسالمت آمیز"، "رقابت مسالمت آمیز" و "گذار مسالمت آمیز" و "دوتز" دولت تمام خلقی و "حزب تمام خلقی". خروشچف ادعا نمود که اوضاع کلی جهان بخاطر بوجود آمدن سلاحهای هسته ای بکلی تغییر یافته است. او با تکیه به این ادعای نادرست خویش و با رد بعضی از اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم مدعی شد که بنا بر این، تمام مبارزات خلقهای جهان منتهی به ایجاد دولت شوروی و تسلط بر قهر و بیهوشی مسالمت آمیز انجام پذیرد. با ادعای او دولت شوروی نیز وظیفه داشت که با پیش گرفتن سیاست همزیستی مسالمت آمیز به رقابت سیاسی و اقتصادی با دنیای سرمایه داری اکتفا نموده و بجای پشتیبانی از جنبشهای انقلابی کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره و طبقه کارگر کشورهای امپریالیستی، آنان را تشویق به آرامش و پیش گرفتن سیاست صبر و انتظار نماید تا بعد از پیروزی سیاسی و اقتصادی شوروی بر سرمایه داری، آنان نیز از سلطه امپریالیسم و استعمار رنجتاریا بینند. تذمبات مشهور "دولت تمام خلقی" و "حزب تمام خلقی": خروشچف مدعی شد که حکومت طبقه کارگر (پرولتاریا) دیگر در شوروی ضرورتی نداشته و حزب و دولت شوروی متعلق به تمام مردم شوروی میباشد. او بدین طریق دولت را از مهم ترین تذمبات مارکسیستی - لنینیستی را علنانفی نمود: اول اینکه دولت وسیله ای برای تسلط طبقه حاکمه بوده و ما دامیکه طبقات در جامعه ای وجود دارند تنها به چماقی دردست این طبقه برای استیلای آن بر طبقات دیگر عمل مینماید. در اجتماع بی طبقه کمونیستی نیز دولت بکلی از میان رفته و اصول وجود خارجی نخواهد داشت که تمام خلقی گردد. دوم اینکه تا برقراری نظام کمونیستی، مبارزات طبقاتی همچنان ادامه خواهد یافت و بنا بر این، حزب طبقه کارگر که مبارزات پرولتاریا را در دوره ساختن سوسیالیسم رهبری میکند ضروری است.

در زمینه سیاسی و اقتصادی، خروشچف به اقدامات زیر دست زد:

۱- با سازی حزب کمونیست: او تا سال ۱۳۴۰ (۱۹۶۱) بیش از ۷۰ درصد اعضاء کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدها هزار نفر از اعضاء حزب را تصفیه نمود. و در مقابل، با بازگذاشتن درهای حزب، هزاران نفر را با معیارهای جدیدی که در خدمت تشبیت سلطه خود و نبودند عضویت حزب در آورد.

۲- تغییر کلی در برنامه کار اشتراکی در کشاورزی: خروشچف کوشید تا مزارع دولتی را که کاملاً سوسیالیستی بودند از میان بردارد و در مقابل، به تشویق رشد آن گروه از مزارع اشتراکی که منافع و درآمد بیشتری داشتند پرداخته و هر کدام از آنان را تحت کنترل کامل یک "رئیس" قرار داد. و نیز مزارع خصوصی را که تا این زمان بسیار کوچک و محدود بودند توسعه داد. او بدین طریق سیاست ایجاد کشاورزان غنی در روستا که توسط استولین بین نخست وزیر تزار نیکلا در سال ۱۲۸۷ (۱۹۰۸) طرح ریزی شده بود را مرحله اجرا گذاشت.

۳- تغییر سیاست برنا مریزی مرکزی: خروشچف وزارتخانه های برنا مریزی مرکزی را بکلی منحل نمود و بجای آن، صدها مرکز پراکنده محلی تحت عنوان "شوراهای اقتصادی" ایجاد کرد. او بدین طریق، اقتصاد کشور را از تسلط برنا مریزی مرکزی که در خدمت ساختمان سوسیالیسم بود در آورده و آنرا تا به رقابت با "شوراهای اقتصادی" با یکدیگر بمنظور بدست آوردن سود بیشتر نمود. خروشچف تا سال ۱۳۴۳ (۱۹۶۴) یکه تا زمینهای اوچنان اقتصاد سرمایه داری در شوروی بود. اما سیاستهای اوچنان اقتصاد شوروی را به سه دهه شکست بدهک بالاه، هم مسلکانه، خدش محسوس

شواها

پیرو مذاکرات حضرت آیت الله طالقانی، با امام خمینی، طرح اداره شهرها توسط شوراهای منتخب مردم، مطرح و تصویب گشته و بر نامه مذکور تحت نظارت حضرت آیت الله طالقانی، به مرحله عمل در خواهد آمد. بر اساس این برنامه، مردم و ساکنین هر محله، شورائی از میان معتمدین محل انتخاب خواهند کرد که به مسائل امنیتی، منازعات کوچک، امور شهرداری و پاکسازی عمران هر محل، تا مین مسکن و بکارگزاران بیکار را خواهد پرداخت. از جمع نمایندگان شوراهای محلی، شورای عالی که، مهمترین مرجع تصمیم گیری مردم در امور مذکور می باشد، انتخاب خواهد شد. در ضمن مسئولیتسن کمیته های انقلاب نیز طبق این طرح، مستقیماً از جانب مردم انتخاب میشوند و وزیر نظارت شوراها و یا پس از ادغام در آنها، بکار خواهند پرداخت.

طرح شوراها، از آنجاکه حفظ امنیت و حل مشکلات مردم را به توده های مردم واگذار میکند، طرحی مترقی است. توده های مردم، بهتر از هر کس و هر مرجعی قادر به حل مشکلات خویشند و به بهترین وجهی قادر به حفظ امنیت، شهرها و حل مسائل خویش میباشند.

ما معتقدیم که:

- باید به استقبال این طرح ملی و مردمی رفت و برای پیاده کردن آن در سراسر کشور، کوشش نمود و بر مقاصد و متعاضد صراحتاً و عقب مانده غلبه کرد.

- ترکیب این شوراها باید نمونه ای از وحدت خلق باشد و امر حفظ جبهه متحد خلق، در نظر گرفته شود. از اینرو، در ترکیب این شوراها باید به شرکت زحمتکشان، نیروهای سیاسی ملی، ملیتهای مختلف و اقلیتهای مذهبی توجه خاص کرد.

- با توجه به اوضاع کنونی، عوامل وابسته به بیگانه، عناصر ناپاک و مرتجعین تلاش خواهند کرد تا با نفوذ در این شوراها، ماهیت

★ دنباله : کارگران ستون فقرات

کارگران آگاه و انقلابی ایران با بیدار شدن وحدت ملی علیه دوا بر قدرت را برافرازنده و این روز را به روز تجلی وحدت ملی بخاطر حفظ و تحکیم انقلاب ایران علیه توطئه ها و خرابکاری های دوا بر قدرت و ارتجاع داخلی تبدیل نمایند.

در برابر این سیاست راستین و انقلابی سیاستهای ضدگامی و ضد ملی عمال دشمنان و دوا بر قدرت و فعالیتها گمراه کننده فرصت طلبان "چپ" قرار دارد.

رهبران حزب توده به کارگران ایران توصیه میکنند که پرچم استقلال و رهائی ملی را زمین گذارند و بجای آن به دشمنی و جنگ با نیروهای ملی و دولتی انقلابی موقت بپردازند. این خائنین به طبقه کارگر و منافع کشور در آنجا نیز که در زیر فشار خلق و بخاطر عوام فریبی مجبورند از مبارزه ضد امپریالیستی حرفی بزنند. ضد امپریالیست بودن را از مضمون اصلی آن که مبارزه به خاطر استقلال کامل کشور و رهائی ملی است خالی کرده و آنرا تنها در ضد آمریکا یعنی بودن خلاصه میکنند، حزب توده اینکار را بخاطر پوشانیدن چهره امپریالیسم شوروی و فریب مردم انجام میدهد. هم امروز کلیه فعالیتهای داوودسته کیا نوری که بمناسبت اول ماه مه تشدید یافته، عبارتست از بسیج کارگران به مبارزه علیه دولت و سرمایه داری ملی و تزریق افکار راستین و وابستگی به شوروی، آنها با تاکید مطلق بر مشکلات و نابسامانیهای طبقه کارگر مانند مشکل مسکن، بیکاری، فقر و غیره تلاش دارند تا ذهن کارگران را از مساله عمده کنونی یعنی مبارزه ضد امپریالیستی برای قطع کامل دستاچانباز ایران، دور سازند. در عین حال آنها با تشویق کارگران به دشمنی و جنگ با دولت و سرمایه داری ملی در صددند تا بنبف سیاستاربابان خود جبهه متحد کارگران ایران با دولت موقت انقلابی و سرمایه داری

مبارزه ضد امپریالیستی درک نمی کنند. فرصت طلبان "چپ" فاقد شعور ملی و روحیه میهن پرستانه لازم برای انجام یک مبارزه ضد امپریالیستی واقعی هستند. در آنان گرایشات قوی مماشاشات گرایانه با امپریالیسم شوروی موجود است. آنها این انحرافات خود را نیز بمانند همیشه به توده ها و کارگران نسبت میدهند. و خیال میکنند، این کارگران هستند که نسبت به سرنوشت ملت و استقلال کشوری تفاوت اند. و حاضرند منافع و مصالح ملی را فدای منافع آنی خود کنند.

گروههای "چپ" فرصت طلب میخواهند از ناراضی کارگران برای فشار آوردن به دولت موقت و گرفتن امتیازاتی برای خود استفاده نمایند. آنها با نفی و روی گرداندن از منافع بسزگ کارگران در دفاع از استقلال میهن و رهائی ملی، منافع آنی و روزمره کارگران را برجسته می کنند، تا آنرا نیز وجه الممالحه نافع و مطامع طبقاتی و فرقه های خود قرار دهند.

اکنون در آستانه برگزاری روز، بین المللی کارگران همه نیروها و احزاب به طبقه کارگر رو کرده اند. این امر نشانهای است که طبقه کارگر بعنوان طبقه تعیین کننده پیروزی و نپیروزی تعیین کننده نبرد اقتصادی - سیاسی جامعه ما، از طرف عموم طبقات، شناخته شده است. در شرایط حساس کنونی ما معتقدیم که براه انداختن چرخهای اقتصادی کشور نقش مهمی را در تحکیم انقلاب، و لذا مقابله و مبارزه بر توطئه های امپریالیسم دارد. از اینرو یکی دیگر از وظایف مهم کنونی کارگران، براه انداختن چرخهای اقتصادی کشور در عین پیش بردن مبارزه بحسب معیشتی و رفاهی خود است. از طرف دیگر نیز، دولت ملی با بد شرکت کارگران را در اداره امور مراکز تولیدی (همراه با مدیران میهن پرست و کارمندان) تا مین کرده، و به آنها تکیه کند و قاطعانه برای حل مسائل حاد معیشتی و رفاهی آنان گام بردارد.

ما کارگران را فرا میخوانیم که با اتکاء به تشکل و وحدت

شوروی را روبرو ورشکستگی برد که بالاخره، هم مسلکان خودش مجبور شدند او را کنار گذاشته و رهبری جدیدی برای خود برگزینند. این رهبری جدید، برژنف و کاسیگین بودند که بالاخره چنانکه خواهیم دید احیاء سرمایه داری در شوروی را بمرحله کمال رسانیدند.

★ دنباله: کارنامه سیاه....

در حالی که در همه جا و بخصوص در تظاهرات اول ماه مه سال ۱۳۲۵ در تهران و نیز در تظاهرات کارگران درخوزستان شعار "قدرت بدست خلق" و "زمین برای دهقانان" داده میشد، در حالیکه خلقهای قهرمان آذربایجان و کردستان برای بدست آوردن حقوق خود دست بقیام مسلحانه زده بودند، در حالیکه افسران وطن پرست از چهار گوشه کشور بصفت انقلابیون در آذربایجان می پیوستند، رهبری حزب توده فرصت طلبانه از این مبارزات برای وارد آوردن فشار بدولت بمنظور بدست آوردن کرسی های مجلس و وزارت سود می جست و با حزب خلق اساعده موکرات قوام السلطنه مشغول ائتلاف بود. بدین علت رضا را دامنش وجودت روانه آبادان شدند تا جنبش عظیم اعتصابی کارگران نفت را خفه کنند و به پاس این اعتصاب شکنی و خدمت به ارتجاع یک هفته بعد کابینه ائتلافی قوام تشکیل شد و سفر از رهبران حزب وارد این کابینه شدند (اسکندری، اقتصاد، کشاورز فرهنگ، یزدی، بهداری) و پیاداش خیانت رهبری حزب به طبقه کارگر و جنبش آزادی بخش خلق - های ایران با این ترتیب داده شد. مبارزه با دکتر مصدق و شکست جنبش ملی:

رهبری فرصت طلب حزب با مارک آمریکائی زدن به مصدق و مبارزه علیه او موجب تضعیف حبهه متحد ملی گردید و سهم اساسی را در شکست ۲۸ مرداد بر عهده داشت. رهبری حزب بعثت نداشتن هیچ گونه برنامه انقلابی نظار گران کودتا شد و بعد از پیروزی تا سرحد تسلیم شدن به ارتجاع، جلورفت. در حالیکه توده های حزب قهرمانانه مقاومت کردند و تا پای جان با رژیم کودتا مبارزه کردند و شهید شدند، اما رهبران

خائن فرار را بر قرار ترجیح داده و صحنه مبارزه را ترک گفتند.

تبلیغ تسلیم طلبی: قرار رهبران حزب توده از سال ۲۷ شروع شد و بعد از کودتا رهبری کاملاً به خارج از کشور گریخت. رهبری فراری بجای دعوت به مقاومت و ادا مه مبارزه برای اعضاء کادرهای حزب که بدست ارتجاع افتاده بودند ندرهنمود تسلیم طلبی و نوشتن توبه نامه داد و روحیه بسیاری از اعضای انقلابی را نابود کرد.

غلطیدن به منجلا ب رویزیونیسم: رهبران حزب توده که هرگز با مغز خود نمی اندیشیدند و همواره از مشی دنباله روی بی قید و شرط تبعیت میکردند با بروز رویزیونیسم خروش جفی در شوروی به این منجلا ب در غلطیدن و خیانت به طبقه کارگر را به حد اعلائی خود رساندند و مبلغین آشتی طلبی و تسلیم طلبی طبقاتی شدند و بارش رویزیونیسم در حزب کمونیست شوروی و تبدیل کشور سوسیالیستی شوراهای به کشوری امپریالیستی به چو بدست ابر قدرت شوروی بدل گشتند.

برخورد به قیام ۱۵ خرداد: قیام توده ای ۱۵ خرداد که بر علیه رژیم وابسته به امپریالیسم شاه انجام گرفت همانگونه که مورد غضب ارتجاع حاکم و امپریالیستها قرار گرفت مورد حمله شدید رویزیونیستهای شوروی نیز واقع گردید. رویزیونیستهای روسی قیام ملی ۱۵ خرداد را "ارتجاع سیاه" خواندند و دارودسته وابسته به رهبری حزب توده نیز کوچکترین عکس العملی در مقابل این موضع نشان نداده و آنرا تأیید ضمنی نمود. مدیحه گوئی و بزرگ کردن رژیم وابسته به لوی: رهبری حزب توده پس از

و مرتجعین تلاش خوا هت کرد تا با نفوذ در این شوراها، ماهیست مردمی و سمت گیری آنها در خدمت به خلق را مخدوش کنند، از این رو، ایجاد و حفظ این شوراها، از یک مبارزه قاطع با اینگونه عناصر میگردد. مبارزه ای که مطمئناً با تکیه به توده های خلق، با فشاری بزودت غذا امپریالیستی او و طرف عناصر وابسته به بیگانه و دفع عناصر سرسخت، به پیروزی خواهد انجام مید.

اصلاحات شاه آمریکا با فرصت طلبی خاص خویش به مشاطه گیری رژیم پرداخت و از اصلاحات شاهانه حمایت کرد. در این برنامه نواستعماری نکات عینی مثبت دید. با عنوان کردن اینکه شرایط انقلاب در ایران وجود ندارد، هرگونه مبارزه قهرآمیز را با رژیم مطرود شمرده و با کینه ای عمیق کمونیستهای را که راه قهرآمیز انقلاب را انتخاب کرده بودند مورد حمله قرار داد.

همکاری با عناصر مرتجع: رهبری حزب توده که با تمام چالوسی ها و کمرش های خود نسبت به رژیم، روزنامه امیدی برای خود نمی دید، از در مذاکره و وحدت با مرتجعین و جلادان خلق درآمد. در این رابطه آقای رادمنش دبیر کل حزب توده برای دیدار و مذاکره با بختیار جلاد ساواک به عراق می رود تا شاید با همکاری او کودتائی بر علیه شاه تدارک ببینند. موقعی که این ملاقات ننگین فاش میشود ناشیانه میخواهد این ننگ را با تعویض رادمنش با اسکندری سرپوش بگذارد. این مسائل تنها گوشه ای ناچیز از خیانت های بی شمار رهبران حزب توده است. آری کارنامه سیاه خیانت رهبران حزب توده به طبقه کارگر و جنبش ملی بیشتر از آنست که کیا نوری هایتوانند با تحریفات خود آنرا وارونه جلوه دهند. طبقه کارگر و خلقهای میهن ما دارودسته رهبری حزب توده را خوب میشناسد و دریائی از آب این کارنامه سیاه طولانی را پاک نخواهد کرد.

دولت موقت انقلابی و سرمایه داری ملی را علیه امپریالیسم، درهم شکنند. هدف تولید آنها شکستن وحدت ملی فدا امپریالیستی، رشد نا رضائی و تضعیف دولت است. علاوه بر وابستگان به شوروی گروههای فرصت طلب "چپ"، نیز در میان طبقه کارگر تبلیغات نادرستی را پیش میبرند. این گروهها بعثت جدائی اجتماعی وایدنولوژیکی شان از کارگران و منافع عالی کارگران را در -

★ دنباله: گوشه ای از جنایات...

دهقانان غارت و رانده شده مناطق صومالی، برادوست، مرگور و ترگور در شمال کردستان که در اردوگاه های مختلف بصر میبرند شدیداً خواستار اقدامات سریع دولت برای بازگرداندن آنها به زمینهای خود بوده و حاضرند با پشتیبانی دولت بمنظور سرکوب اربابها، عازم روستاهای خود شوند. متأسفانه تا کنون دولت به خواست اساسی آنها جواب نگفته و این ندانم کاری بهانه بدست افراد و نیروهای فرصت طلب میدهد تا از آب گل آلود ما می بگیرند. عدم درک این موضوع باعث رشد نا رضائی در بین دهقانان و تضعیف پایگاه توده ای دولت شده و عملاً با توجه به اوضاع فعلی و فعالیت نیروهای ضد انقلابی وابسته به بیگانه به ضرر استقلال میهن تمام میشود. این بی توجهی دولت و کمیته اما باعث شده که مسعود (پرمصطفی با رزانی مزدور آمریکا) اخیراً به منظور با صلاح و ساطت به شهرداری ارومیه (محل تخصصی نمایندگان دهقانان غارت و رانده شده که دوازده روز از آن می گذرد) آمده، و از آنها خواسته که به دهات خود برگردند. این اقدام مسعود با رزانی که توطئه ای بیش نبود توسط دهقانان شناخته شد و به او، اجازه سخنرانی ندادند. دهقانان به او گفتند که "تو هم اربابی و از منافع آنها دفاع میکنی و ما تنها زمانی به دهات بر میگردیم که دولت قدرت اجرایی داشته و پاسگاه، ژاندارمری در محل ایجاد کند". علاوه افراد

که با اتکاء به تشکل و وحدت خویش وحدت ملی فدا امپریالیستی را با دیگر اقشار و طبقات خلقی و ملی حفظ نمایند. ما کارگران را فرا میخوانیم تا پرچم رهائی ملی و قطع دست اجانب را برافرازند و نقش پیشرو و تاریخی خویش را در مبارزه علیه امپریالیسم و بویژه دوا بر قدرت آمریکا و شوروی ایفا نمایند. کارگران جهان، خلقها و ملل ستم دیده متحد شوید.

دارودسته با رزانی (قیام موقت) در بعضی از دهات نیز علناً عکس ملامصطفی را به سینه خود میزنند و در ارومیه نیز نفوذ کرده اند. دهقانان غارت و رانده شده هنوز از نظر جادرمضیق اندوختنها با کمک هایی که از طرف کمیته و سازمانهای مختلف از جمله سازمان ما جمع آوری شده نسبت به قبل، از لحاظ غذا، لباس، پتو، دکترو دارو مشکلات کمتری دارند. ما معتقدیم در برخورد به مساله دهقانان غارت شده شمال کردستان دوا نحراف اساسی موجود است. ۱) مشی سازش با فئودالها و خانها و عدم پشتیبانی قاطع از دهقانان ۲) سوء استفاده نیروها و عناصر فرصت طلب از مشکل دهقانان برای تضعیف دولت. ما معتقدیم که جواب نگفتن به خواستهای دهقانان برای سرکوب مالکین فئودال وابسته به بیگانه و بازگشت به روستاهای خود، موجب رشد نیروهای وابسته به بیگانه (آمریکا و روسیه) در منطقه گردیده و این منطقه حساس را به پایگاهی برای تجاوزه استقلال میهن و خیزش گاه توطئه های مسلحانه دوا بر قدرت تبدیل خواهد کرد. ما معتقدیم دولت باید، با اتحاد با دهقانان ستم دیده و نیروهای انقلابی، مالکین فئودال وابسته به بیگانه را شدیداً سرکوب کند و خط مشی سازش با فئودالها را قاطعانه رد کرده و به توده های دهقانی تکیه نماید.

شوروی: کشوری امپریالیستی

دوران خروشچف

پس از مرگ استالین، مبارزات طبقاتی در شوروی شدت یافت و طولی نکشید که منجر به استیلاي مجدد عناصروابسته به سرمایه داری گردید. در این مبارزه طبقاتی، دو مرحله متمایز را میتوان مشاهده نمود. اول، مرحلهی غصب قدرت دولتی از طرف بورژوازی و از هم پاشیدن اساس جامعه سوسیالیستی و پایه ریزی اقتصاد سرمایه داری است که برهبری خروشچف انجام پذیرفت. و دوم، مرحلهی رشد و تحکیم نظام سرمایه داری و ایجاد سوسیال - امپریالیسم است که به فرماندهی برژنف و کاسیگین با نجام رسید.

مبارزه ی خروشچف برای منحرف نمودن مسیر تکامل اقتصادی شوروی، از دوران استالین آغاز میشود. بعد از جنگ جهانی دوم، با سازی کشاورزی شوروی که بعقل زیادی از جمله تجار و زنگسترده ی نیروهای ارتش آلمان هیتلری، صدمه ی بسیار دیده بود در دستور کار دولت شوروی قرار گرفت. برای انجام این کار، دو خط مشی بحزب کمونیست پیشنهاد گردید. یکی، مشی سوسیالیستی که توسط استالین مطرح شد و خواستار تاکید بیشتر بر کار اشتراکی (در مزارع دولتی و اشتراکی)، کار سیاسی بیشتر در میان کشاورزان و آموزش سیاسی آنان بود. و دوم، مشی سرمایه داری که به رهبری اقتصاددان شوروی بنا موزنسنسکی و نیکیتا خروشچف - کار عالی حزب در اوکراین - ارائه شده و طرفدار تاکید بیشتر بر ایجاد زمینهای زراعتی خصوصی، تشویق کشاورزان با انگیزه مادی (پول بیشتر) و فرستادن تکنیسین به میان آنان بود. با پشتیبانی استالین، مشی اول غلبه یافته، و وزنسنسکی دستگیر و اعدام گردید و خروشچف از مقام خود در اوکراین معزول گردیده، به مسکو فراخوانده شد. اما خروشچف توانست بتدریج با کمک عناصر دیگری که در حزب نفوذ کرده بودند به عضویت هیات دبیران کمیته مرکزی حزب کمونیست درآمد و، مخالفین مشی پرولتری را در پشت خود متشکل سازد. این فعالیتهای او، بعد از مرگ استالین شدت و سرعت بینهایت بیشتری یافت تا آنجا که در سال ۱۳۳۵ (۱۹۵۶) او موفق شد اکثریت اعضاء کمیته مرکزی حزب را پشتیبان نظریات خود نماید. با بدست آوردن اکثریت در کمیته مرکزی حزب، خروشچف حمله ی وسیع خود را برای نابود کردن کامل مشی پرولتری، با حمله ی ددمنشانه ی بر استالین آغاز نمود. او استالین را ترسو، دیوانه و دیکتاتور خواند و بدین طریق کوشید تا از یکطرف با متلاشی کردن محورا اصلی وحدت ما رکنیست لنینیستهای شوروی، در صفوف آنان گیجی، دل سردی و تفرقه ایجاد نماید و زمینه را برای سرکوبی وسیع آنان فراهم سازد و از طرف دیگر، به عناصروابسته به بورژوازی جرات دهد تا به حمایت وی برای احیاء سرمایه داری قیام کنند. ولی حمله خروشچف، با حمله متقابل کمونیستهای شوروی روبرو شد، بطوریکه در سال ۱۳۳۶ (۱۹۵۷) مولوتف و کاسیگین موفق شدند اکثریت بوروی سیاسی حزب را بر علیه خروشچف متحد نمایند و او را در آستانه سقوط قرار دهند. در این مرحله بود که خروشچف کودتای خائنانه خود را بمرحله اجرا در آورد. خروشچف که موفق شده بود

رویدادهای هفته ناوگانهای آمریکا و روس در آبهای منطقه

چند هفته ای است که ناوگانهای آمریکا و شوروی به اقیانوس هند و آبهای خلیج فارس سرزیر شده. امپریالیسم آمریکا ۱۱ اوسویال امپریالیسم شوروی ۲۲ ناو جنگی در این آبها مستقر ساخته اند. استقرار ناوگانهای جنگی دوا بر قدرت جهان بخوار در آبهای نزدیک به میهن ما، هم - زمان با تشدید توطئه های عواملشان در ایران، یعنی بازماندگان ساواک، سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) و عناصر رژیم سابق، از یکسو و دارودسته کیانوری وک - گ - ب (سازمان جاسوسی روسیه) از سوی دیگر، صورت میگیرد.

خواست عمومی خلقهای میهن ما، بیرون رفتن ناوگانهای جنگی دوا بر قدرت از مناطق ساحلی ایران است، اما در این میان، کمیته مرکزی حزب توده، و فادار به منافع اربابان روسی خود، درباره لزوم خروج ناوگانهای آمریکا و سرو - صدا براه می اندازد، و در حالیکه

در باره ی حضور ۲۲ ناو جنگی اربابان روسی خود کلمه ای هم نمی گوید، این موضع گیری دارودسته کیانوری، بار دیگر بروشنی به تمامی ملت ما نشان میدهد که، اینها نه در پی استقلال ایران هستند، و نه صدا امپریالیست میباشند.

فریادهای ضد امپریالیسم، از خواست خلق ما برای استقلال کامل ملی سرچشمه نمی گیرند و دارای امالت ملی نیست، بلکه این سروصداها، فریادهای فارسی زبان اربابان روسی است که میخواهند جای آمریکا را، که بیرون راندنش به قیمت خون هزاران نفر تمام شده، بیا اربابان روسی خود بپرکنند.

خلقهای ما اجازه چنین کاری را نخواهند داد.

حزب توده و قانونیت

اخیرا آقای امیرانتظام سخنگوی دولت در پاسخ به سئوالی در زمینه قانونی بودن حزب توده به قانون ۱۳۱۰ رضا شاه اشاره کرد و بطور ضمنی حزب توده را غیر قانونی دانست و جوابی هم از طرف مقابل گرفت، مسئله ما در اینجا بحثی حقوقی در مورد قانونی بودن یا نبودن حزب توده نیست. قانون ۱۳۱۰ یک سند خلقی بی اعتبار است اما حتی در صورت اعتبار ما حزب

احکام دادگاههای انقلابی برحق است

از دو هفته پیش سرکوب ضد انقلاب بطور وسیع و پیگیری آغاز گشته است. عاملین کشتار ۱۷ شهریور و نجف آباد، هویداها و وزرای سرسپرده دربار و روسای سازمان جهنمی امنیت در شهرهای مختلف، شکنجه گران ساواک و دریک کلام خیانتکاران به میهن و مردم دهر کجا و در هر لباسی که بودند در محضر عدل دادگاه انقلاب اسلامی به سزای اعمال خویش رسیدند.

دادگاه انقلاب اسلامی ایران در پیام خود چنین مینویسد: مستکبرین در سطح بین المللی همگی ابرقدرتها، کارتلهای و تراستها، کمپانیها و

توده را شامل آن نمی دانستیم. چه اگر مینای غیر قانونی بودن حزب توده کمونیست بودن آنست ما، معتقدیم که، حزب توده قانونی است. حزب توده همیشه بر علیه این برچسب که حزب کمونیست ایران است و بنا بر این طبق قانون سیاه ۱۳۱۰ غیر قانونی است، مبارزه کرده است و این مبارزه سابقه تاریخی دارد. برچسب کمونیست بودن وصله ی ناجوری است که بدامان این دارودسته نمی چسبد، و بارها علیه این اتهام مبارزه کرده اند. در "مردم" شماره ۶۱ میخوانیم: "حزب توده ایران را کدام مرجع قضائی کشور غیر قانونی اعلام کرده؟ در کدام دادگاه ثابت شده که مرام یا رویه ی حزب توده ایران یا مقررات قانونی ۱۳۱۰ انطباق دارد؟ یعنی با صلاح قانون ۱۳۱۰، مرام یا رویه اش اشتراکی است، و یا ضدیت با سلطنت مشروطه ایران است". و سند دیگر مصاحبه که میخس با خبرنگار انگلیسی در تاریخ ۱۳۲۴/۹/۲ است که در جواب او گفت: "من عضو حزب توده هستم". در ایران حزب کمونیستی وجود ندارد که من عضو آن باشم"، "ما مناره و برنامه داریم که در کنگره حزبی به تصویب رسیده است، و تا کنگره ی دیگری تشکیل نشود هیچگونه تغییری در آن نمیتوان داد، بنا بر این به نظرات سیاسی ما باید از روی این برنامه قضاوت کرد".

بین دلایل و به صدها دلیل دیگر حزب توده حزبی کمونیستی نیست و بنا بر این بر اساس قانون ۱۳۱۰ بقیه در صفحه پنجم

عناصر ضد دموکراتیک را تصفیه کنیم

کمیته قرار گرفته اند. در تهران تعدادی از رفقای سازمان جوانان انقلابی در حین پخش اعلامیه و چسباندن پوستر بدیوار دستگیر شده و ساعتها در بازداشت بوده اند.

در طی روزهای اخیر رفقای ما در بسیاری از شهرها مورد حمله و هجوم افراد نابابی که در کمیته های اما م نفوذ کرده اند، قرار گرفته و در مبارزات انقلابی خود مواجه با خرابکاریهای زیادی

خا نشان خود را بمرحله اجرا در آورد. خروشچف که موفق شده بود حمایت مارشال ژوکف، وزیر دفاع و فرمانده ارتش شوروی را بدست آورد، وی را واداشت تا با تهدید استفاده از نیروهای نظامی، گروهی از اعضای کمیته مرکزی را که موضع نااستوار داشتند و ادرا ب مصالحه با خود نموده و با گردآوری سریع آنان از اقصی نقاط کشور اکثریت لازم را برای مقابله با یوزوی سیاسی حزب بدست آورد. خروشچف سپس، با استفاده از این فرصت دست به تصفیه دستگاه رهبری حزب زده و بزودی تمام رهبران قدیمی ما ر کسبیت - لنینیست حزب را که با نظریات او مخالف بودند، از جمله مولوتف، کاگانویچ، مالانکف و دیگران، از حزب اخراج نمود. کودتای خروشچف، مواجه با مقاومت طبقه کارگر شوروی گردید و بزودی بسیاری از کارگران در نقاط مختلف شوروی دست به اعتصاب و مبارزات دیگر زدند، اما خروشچف با استفاده از نیروهای نظامی آنان را نیز بشدت سرکوب نمود. بعد از تحکیم قدرت خود، خروشچف بسرعت به درهم شکستن نهادهای جامعه سوسیالیستی شوروی پرداخت. این اقدامات او، بطور کلی در دو زمینه با نجا رسید: اول، در زمینه ایدئولوژیک و دوم، در زمینه سیاسی و اقتصادی.

بقیه در صفحه پنجم

نشست توطئه‌های تفرقه افکنان

مجاهد کبیر حضرت آیت الله طالقانی، پس از دستگیری دو تن از فرزندان ایشان توسط پاسداران یکی از کمیته‌های محلی انقلاب در تهران، بعنوان اعتراض تهران را ترک نمودند و دفاتر کار ایشان نیز بسته شد. این واقعه انعکاس وسیعی یافته و موجی از اعتراض و حکومت علیه اینگونه تجاوزات به حقوق خلق و خلل در نظم انقلابی ز طرف توده‌های مردم بیخاست. حضرت آیت الله طالقانی، در مدت مهاجرت از تهران، بحضور امام خمینی رهبر انقلاب رسیدند و پس از مذاکره و گفتگو با ایشان در مدرسه فیضیه قم، سخنرانی ایراد نمودند. ایشان طی سخنان خویش یکبار دیگر وحدت مستحکم روحانیت به رهبری قاطع امام خمینی را اعلام نمودند. آیت الله طالقانی، همچنین ضرورت بسط دموکراسی و تشکیل انجمنهای ایالتی و ولایتی را با تاکید و تأیید امام خمینی اعلام داشتند. سازمان ما با توجه به نقش ارزنده‌ای که روحانیت در به ثمر رسانیدن انقلاب اسلامی ایران داشته است، اعلام وحدت روحانیت

بهر رهبری امام خمینی را، امری بسیار مثبت و بمنفع خلقهای ایران و مصالح کشور رزیابی کرده و از آن شادمان است. در تاریخ ۱۵ ساله اخیر میهنمان، روحانیت مبارز همیشه نقش بس ارزنده‌ای در بسیج توده‌های مردم، علیه استعمارگران و مستبدین و ابسته‌دشته‌است و در شرایط حساس کنونی نیز نقش پراهمیت رهبری را در انقلاب بازی میکند و سهم مهمی را در امر بزرگ دفاع از استقلال ملی کشور دارد. از اینروست که عمده‌سال امپریالیسم، بویژه دو ابر قدرت آمریکا و روسیه، یکی از هدفهای اصلی خود را، ایجاد تفرقه در میان صفوف متحد روحانیت مبارز، ایجاد چنددستگی و از هم پاشیدن وحدت رهبری قرار داده‌اند. جمعی از تفرقه افکنان تحت لوای "دفاع از اسلام" و جمهوری اسلامی به آینه‌کار مشغولند. آنان بنا بر دفاع از اسلام، آزادیهای دموکراتیک مردم را گد مال کرده و به حقوق شغلی، معیشتی، مسلکی خلق تجاوز می‌نمایند. دستگیری فرزندان آیت الله طالقانی و بی حرمتی به آنان و سپس قلب حقایق و دروغ پردازی درباره حادشه و از آن بدتر پخش شایعات و اکاذیب

بین المللی همه‌ای ابرقدرتها، کارتل‌ها و تراستها، کمپانیها و شرکت‌های غارتگر، انحصارگران و دریک کلام کا پیتال امپریالیسم و سوسیال امپریالیسم میباشد. فالانژیستها، صهیونیستها، فاشیستها... کائال‌های گوناگون همین استکیار امپریالیستی‌اند. سازمان ما از این مواضع راستین و سرکوب‌فدا انقلاب بوسیله دادگاه‌های انقلاب اسلامی پشتیبانی کامل نموده و محاکمه و نابودی کلیه خائنین به میهن و خلق و کلیه کسانی که دستشان بخون ملت ما آغشته است را قدمی مهم در ادامه و تحکیم انقلاب میدانند.

مغرضانه نسبت به خود آیت الله طالقانی، یکی از نقاط اوچ این گونه تفرقه افکنی و لطمه به انقلاب، زیر لوای اسلام است. دسته دیگر از تفرقه افکنان تحت نام "دفاع از دموکراسی" عمل میکنند. آنها مترصدند تا از هر فرصتی برای ایجاد سوءظن و ایجاد شک و بدبینی نسبت به دولت و کمیته‌های امام و انقلاب اسلامی سوء استفاده کنند. آنها از هر مسئله‌ای، از حجاب گرفته تا بیکاری و دستگیری فرزندان آقای طالقانی، سوء استفاده میکنند تا در میان مردم تبلیغ کنند که دموکراسی نیست، آزادی نیست و استبداد و فاشیسم دینی و اسلامی در حال شکل گرفتن است. هر دو این گروه تفرقه افکن با شکست کامل روبرو شدند. هم کسانی که بنام اسلام به حقوق مردم تجاوز می‌کردند و هم آنها که بنام دموکراسی علیه جمهوری اسلامی فعالیت مینمودند محکوم شدند، و این یک پیروزی برای خلق بود. ما یقین داریم که با حفظ وحدت روحانیت و بسط دموکراسی، انقلاب گامهای بزرگتری به پیش بر خواهد داشت.

سر و سرخه و در مبارزات اقتصادی خود مواجه با خرابکاریهای زیادی از طرف این افراد گذشته‌اند. لیست زیر نمونه‌هایی از این فعالیتها و خرابکاریها است که توسط عناصر ضد انقلابی رخ نه کرده در این کمیته‌ها و یا توسط افراد ناآگاه تحریک شده از طرف این عناصر انجام رسیده است:

- اتوموبیل حامل نشریات سازمان در راه کردستان چندین بار مورد هجوم قرار گرفته است. افراد کمیته بعد از اذیت و آزار رفقای ما آنها را با زداشت و اتوموبیل حامل نشریه را در اختیار خود گرفته و تنها بعد از چندین ساعت و بر اثر اعتراضات شدید رفقا آنرا با زپس داده و رفقا را آزاد نموده‌اند.

- در قزوین تعدادی از رفقای ما بهنگام فروش نشریات و پخش اعلامیه بازداشت شده و مورد اذیت و آزار قرار گرفته‌اند.

- در اراک کمیته تمام داروهای جمع آوری شده توسط سازمان برای مجروحین و قایع کردستان را ضبط نموده و با وجود اعتراضات شدید رفقای مسئول هنوز آنها را پس نداده است.

- در خوزستان رفقای ما بارها در حین فروش نشریات و پخش اعلامیه مورد اذیت و آزار افراد

بدینوسیله ر دستگیر شده و سا عهنا در با زداشت بوده‌اند. این فعالیتها و خرابکاریها افرادنا با برخنه کسره در کمیته‌های امام برای چیست و دودش بچشم چه کسی می‌رود؟ بنظر ما این فعالیتها هدفی جز منحرف کردن انقلاب ایران و بشکست کشانیدن آن ندارد. زیرا که از یکطرف با وقفه انداختن در راه مبارزات میهن پرستانیکه در شرایط کنونی هدفی جز قطع کردن دستهای امپریالیستهای آمریکا و شوروی بمنظور تحکیم استقلال ایران و تامین آزادی و عدالت اجتماعی ندارد سبب تقویت نیروها و عناصر وابسته به ابرقدرتها میگردد و از طرف دیگر با تجاوز به آزادی خلق انقلاب اسلامی پیروزمندان ایران را بدنام نموده و آب به آسیاب تمام کسانی که با شکل مختلف در صدد تخطئه انقلاب ایران و بهره برداری بنفع خودشان هستند میریزد. سازمان ما این گونه فعالیتها را بشدت محکوم نموده و از دولت ملی آقای بازرگان خواستار است که هر چه زودتر اقدامات لازم را برای پاکسازی این کمیته‌ها بمرحله اجرادر آورد.

کارگران اخراجی سرگردانند

میگوید "اوضاع ماهیج فرقی نکرده، آدمهای اینجا همان آدمها هستند، از انقلاب با من صحبت نکن چون انقلاب نشده و تصمیم من هم عوض نشده. قانون گذار ما هستیم" و در راه بروی جمشیدمی بنند. و این تنها گوشه کوچکی از وضع نا بسامان میلیونها کارگر شریف و مبارز میهن ما است. ما معتقدیم که تنها با تامین رفاه و حقوق زحمتکشان است که انقلاب تحکیم مییابد و عمیق میشود و گرنه پس از مدتی نیروی عظیم زحمتکش پشتیبان خود را از دست خواهد داد و زمینه‌ها برای فتنه‌گری امپریالیستها مساعدتر خواهد گردید.

یکی از کارگران اخراجی کارخانه فیلکوبنا م جمشید هفته پیش بدفتر "رنجبر" رجوع کرد. جمشیدزن و دو فرزند را ردو کارگر کارخانه فیلکو است، در ۱۵ فروردین سال گذشته بعد از یکسال کار در این کارخانه اخراج شده است. علت اخراج او اعتراض به حق کشی، نحوه غیر بهداشتی محیط کارگاه، وضع بد غذا و غیره بوده. مسئول بخش مونتاژ، کنعانی و مهندس کاشانی، او را با تهام "خرابکار" و "کارگرنا راضی" اخراج کرده‌اند. حال که بعد از سیزده ماه بیکاری، برای گرفتن کار به کارخانه مراجعه کرده و از مهندس کاشانی و شجاعی می‌خواهد که طبق فرمان امام خمینی، مبنی بر استخدام کارگران اخراجی او را استخدام نمایند، مهندس کاشانی